



## یادداشت

کتابخانه‌های عمومی گسترش دانش و ارتقاء میزان آگاهی اعضاء جامعه را وظیفه خود می‌دانند. به تعبیری عزم این نهاد کمک به بالندگی و تبلور استعداد های فردی در راستای تولید اندیشه، علم، و غنای فرهنگ جامعه می‌باشد. کتابخانه نهادی است که با در اختیار داشتن بخش قابل توجهی از دانش مدون زمینه بهره‌گیری مناسب از اندوخته‌های بشری را فراهم می‌نماید به گونه‌ای که با تأمین فرصت‌های لازم امکان آموختن مداوم را برای اعضای جامعه مهیا ساخته و بر بالندگی حیات اجتماعی می‌افزاید. حال اگر در این سیر به کتابخانه‌های عمومی توجه لازم مبذول گردد و زمینه جذب موفق‌تر و مؤثرتر همگان به سوی این نهاد فراهم آید آنگاه می‌توان امید داشت که کتابخانه‌ها رسالت واقعی خود را به انجام رسانیده‌اند.

کتابخانه‌های عمومی در جامعه ما به رغم موفقیت‌ها و دستاوردهای قابل ملاحظه‌شان هم‌چنان دارای مشکل هستند، به گونه‌ای که در مواردی از وضع مطلوبی برخوردار نیستند و با استانداردهای جهانی قربات لازم را ندارند. تردیدی نیست که سرچشمه مشکلات مربوط به کتابخانه‌های عمومی را باید در زمینه‌های مختلف جستجو کرد. با این وجود امیدواریم با تصویب لایحه تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی، زمینه برای حل مشکلات این مجموعه فراهم گردد. لیکن آنچه که باید مورد مذاقه بیشتر قرار گیرد نحوه مدیریت کتابخانه‌های عمومی است که با توجه به عملیاتی نمودن سیاست‌های جدید از جمله آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در جهت کوچک شدن بدنه دولت و واگذاری بخشی از خدمات دولتی به بخش غیردولتی در حال ساماندهی است. و در آن به راهکارهایی چون خرید خدمات

از بخش غیردولتی، مشارکت با بخش غیردولتی، و واگذاری مدیریت به بخش غیردولتی اشاره گردیده است. که این مهم مدیریت کتابخانه‌های عمومی را به موضوعی مهم و کلیدی تبدیل نموده است. این اقبال به رغم اهمیت درخور توجه‌اش دچار نقیصه فقر نظری است و کمتر با دیدگاه‌های صائب و غنی که توانمندی تبیین مناسب را در خود داشته باشند همراه بوده است و به تبع این کم‌مایگی، طرح راهکارهای جایگزینی را با تردیدها و نقیصه‌هایی همراه ساخته است. تردیدی نیست که بخشی از ریشه‌های این وضعیت را باید در ساختار مدیریتی و نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی چنددهه اخیر جامعه ایران جستجو کرد.

در نتیجه توجه به مدیریت کتابخانه‌های عمومی جوامعی مانند جامعه ماکه به رغم عمومی بودن آنها توسط دولت اداره می‌شوند، و به عنوان بخشی از دستگاه دولتی ایفای وظیفه می‌نمایند، نیازمند توجه بیشتری است. بدیهی است ایجاد تغییر در چنین مجموعه‌ای با توجه به دیرپایی و عدم آمادگی‌های روانی و اجتماعی دست‌اندرکاران آنها نیازمند زمان و حرکتی منطقی و سنجیده است تا آنها را به نهادی واقعاً عمومی با مدیریت غیردولتی و مشارکتی مبدل سازد. امیدواریم صاحب‌نظران با مذاقه بیشتر و ارائه راهکارهای مناسب، روش‌هایی را برای خارج شدن از چالش‌های پیش رو فراهم نمایند و اندیشمندان با بررسی و ارائه مناسب‌ترین شیوه‌های مدیریتی به پویایی بخش عمومی به خصوص قوت و کارآمدی نهادهای عمومی چون کتابخانه‌های عمومی مدد رسانند.

محمدحسین ملک‌احمدی